بگواهی تاریخ

مدرسی چهاردهی، مرتضی

ایران ما همیشه مردان و زنان بزرگ و توانایی را پرورش داده که‏ هرکدام سهمی در ایجاد تاریخ و تجدید عظمت کشور دارند.در وقایع شهریور 1320 خورشیدی جهان مصادف با جنگ جهانی دوم شد.کشور ما هم‏ مانند دیگر کشورها و ملت‏ها دست‏خوش حوادث و اتفاقات ناگوار گشت باز دیدیم و شنیدیم که از گوشه و کنار تهران و سایر شهرها تنی چند از مردم آزاده‏ برخاستند و برای خدمت‏گذاری از هیچ‏گونه فداکاری دریغ نکردند.گرچه‏ در آن دوران پرآشوب که متفقین کشور ما را اشغال کرده بودند بازار عوام‏فریبی‏ و هوچی‏گری روز بروز گرمترمیشد ولی در همان گرداب اجتماع و سیاست‏ هرکه هرکه،چند تن از شخصیت‏های انگشت‏شمار در بنای ایران نو از هیچ‏گونه‏ جان‏فشانی کوتاهی نکردند.آری،ایرانی هوشیار خدمت گذاردن خود را فراموش نخواهد کرد چه بهتر آنکه نسل معاصر هم آنان را از نزدیک بشناسد و ارج بگذارد و خصوصا از راهنمایی‏ها و اندرزهای مشفقانه آنان استفاده کند و درس زندگانی و اجتماع و سیاست بیاموزد.

نگارندهء این سطور که سالیان دراز در کار انتخابات و مطبوعات کشور بود از نزدیک عوامل افساد و اصلاح را میدید که چگونه روبه‏صفتان برای احراز کرسی وکالت و وزارت و مقام در جنگ و جدال میشدند و چگونه با مردم درست‏کار و میهن‏پرست به مبارزه برمی‏خاستند!با انواع حربه‏های ناجوانمردانه عناصر خدمت‏گذار و پاکدامن را می‏کوبیدند و از جرگه سیاست و اجتماع و اقتصاد کنار می‏زدند تا با خرابکاریهای خود و یارانشان لانهء فساد خویشتن را پرشکوه‏تر سازند و آنگاه بوقلمون‏صفت بر سر هرکوی و برزن خود را وجیه الملة معرفی نمایند.مولوی این‏گونه شیادان هفت‏رنگ را در کتاب مثنوی به شغالانی تشبیه‏ کرده است که در خم رنگ افتاده و رنگین شده‏اند و ادعای طاووسی نمودن را در میان شغالان دارند(!)

به عقیده نگارنده یکی از شخصیت‏های بنام و فداکار شهاب‏ خسروانی است چه همه به شخصیت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی وی احترام‏ گذاشته و می‏گذارند و وی را با خیلی از رجال و مشاهیر در یک ترازو نمی‏سنجند.

این مرد خودساخته را سالیان درازی است که از نزدیک می‏شناختم و به‏ عظمت روحی و پاکدامنی وی مانند دیگر دوستانش معتقد بودم اینک که پس از سالها از اروپا باز گشته است روزی به سراغ او رفتم و دیدم که با همان عشق و علاقه سرشار از خدمت‏گذاری به مردم و اجتماع با آنکه سرد و گرم‏ روزگار را زیاد دیده و چشیده و برف پیری بر سیمای متین او نشسته است باز هم‏ ایران و ایرانی را فراموش نمیکند و اندیشهء جوان دارد.از هر دری صحبت شد خواستم روزگار حوادثی را که پشت سر گذاشته و اتفاقاتی را که دیده و در حوادثی که شرکت داشته است برایم حکایت کند تا نموداری از روزگار پنجاه‏ سالهء اخیر ایران را برشتهء نگارش درآورم و آن را بصورت کتابی تألیف نمایم‏ و به نسل معاصر بیادگار تقدیم دارم تا در اثر خواندن این رشته از خاطرات‏ جوانان ما بدانند که میهن ما همیشه بزرگوار مردمی داشته است که برای‏ سربلندی ایران و ایرانی از جان و مال دریغ نداشته‏اند.

اینک ماجرای سرگذشت شهاب خسروانی را به پیشگاه داوری تاریخ و هوشمندان نسل معاصر تقدیم میدارد تا همه‏گان بدانند هرخاطراتی دروغ‏ نیست و هرسرگذشتی که بنام یکی از مشاهیر ایران منتشر می‏شود با غرض‏ و نیرنگ و دروغ و افترا آمیخته نشده است.آری مدتی میتوان بمردم دروغ‏ گفت ولی حقیقت و راستی مانند آفتاب درخشان تاریکی‏ها و پلیدی‏ها را از میان برمیدارد.

خواندن خاطرات بزرگان و حادثه‏جو بسیار دلنشین است و به قول‏ چرچیل سیاستمدار بزرگ انگلستان در جنگ جهانی دوم بهترین لذتهای‏ مطالعه خواندن خاطرات بزرگان است. و براستی شهاب خسروانی از آن مردانی است که هرروز و هرشب و هر آن از زندگانی او صفحه‏ای از تاریخ معاصر ایران را تشکیل میدهد از این‏روی فرصت را مغتنم شمردم و با او به گفتگو پرداختم ویک سلسله خاطرات‏ در اختیار گرفتم که هریک سرچشمه‏ای عبرت‏انگیز است که برای روشنی‏ تاریخ و حیات سیاسی زنده و امروزی ما سرمشق گرانبهائی بشمار می‏آید. زیرا شهاب خسروانی مردیست که در اواخر قاجاریه با تبعید خانوادهء او وارد میدان می‏شود و در دوران ساختمان ایران نو و عصر پهلوی به کار خلاقه‏ تولید و عمرانی می‏پردازد و نخستین دستگاه اقتصادی و ساختمانی اصیل‏ ایرانی را تشکیل میدهد و کارهای خلاقه مؤثر و مفیدی را باعث و بانی می‏شود و سپس در دورهء اشغال ایران و سختی‏ای وارد بر ملک و ملت از هیچ کوششی‏ فروگذار نمیکند.

چندین بار در انتخابات وارد میشود و شکست می‏خورد و باز از پای نمی‏نشیند تا سرانجام به هدف خود میرسد و در امور اقتصادی سه بار او را با ورشکستگی‏ روبرو میسازند ولی باز با کمال شهامت و درستی بکار میپردازد و موفق میشود و چند بار بزندان می‏افتد و روزی هم او را آنچنان با کارد می‏زنند که از پایش‏ درآوردند ولی غافل از آنکه آن مرد خودساخته قوی‏تر از آن بود که بتوانند از کارش باز دارند او با ایمان قوی‏تر برخاست و باز از خدمت بوطن چه در امور عمرانی و چه در کارهای خیریه و چه در امور سیاسی کوتاهی نورزید و سرانجام‏ امروز با کمال آبرومندی و سربلندی باز بفکر ملک و ملت است و از کار درست‏ و کوشش پی‏گیر باز نایستاده است و نسبت بدوستان وفادار و نسبت به دشمنان‏ این آب و خاک سرسخت و آشتی‏نایذیر است.

مطالعه شرح حال و آثار این‏گونه مردان فولاد آب‏دیدهء وطن نسل‏ معاصر را امیدوار میسازد.

اینک برویم بر سر ماجرای وکالت خسروانی که چگونه از محلات وکلی‏ شد؟!و چرا وکیل شد؟!و چرا با او مخالفت کردند و چرا شکست خورد و باز برخاست و شرح اینداستان را در شمارهء آینده برای شما بازگو خواهم کرد..